



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ -
نمابر: ۸۸۶۷۷۶۶۹
توزیع: شرکت ناوآوران جهان رسانه ایرسا -
تلفن: ۸۸۸۲۳۲۹۰
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۲۴۶



سال پنجم■ شماره پیاپی ۱۰۶۱■ شماره ۱۲۷ دوره جدید■ سه‌شنبه ۲۳ شهریور ۱۳۸۹■ ۵شوال ۱۴۲۱■ ۱۴سپتامبر ۲۰۱۰

آخر

برترین‌های سینمای خشونت به انتخاب اینترنیمنت ویکی

سینما...سینما

سینمای خشونت این روزها به فیلم‌های چندین و چندقسمتی همچون «ره» رسیده است که برای دوستانران این ژانر اقلوی اساسی محسوب می‌شود. ژانر خشونت هر چند هرگز در سینما به جد مورد حمایت قرار نگرفت، اما در شروع کارگردان نامدار بودند که با خلق صحنه‌های تکان‌دهنده این پدیده را در سینما تبدیل به یک ژانر کردند. به سیاق سپتامبر هر سال این مجله‌ا از منتقدان سینمایی خواسته‌است برترین‌های این ژانر را انتخاب کنند.

۱- بازگشت خشونت/ تونی کی/ ۱۹۹۹

«بینم دنی تو کی متغری؟ از هر کسی که پروتستان سفیدپوست نباشه.» تونی کی با همین دیالوگ ساده چنان خشونت عظیمی را در این فیلم می‌گنجاند که دیگر لازم نیست برای اول شدن در این رتبه‌بندی سراغ صحنه‌های این فیلم برویم.

۲- بازگشت ناپذیر/ گاسپار نوه/ ۲۰۰۳

گاسپار نوه فیلمساز آرژانتینی‌اصل، با تابعیت فرانسوی کارگردان فیلم‌هایی- چون من تنها ایستادم، کرن و بازگشت‌ناپذیر است. او بازگشت‌ناپذیر را در سال ۲۰۰۲ جلوی دوربین برد و در همان سال در جشنواره کن به نمایش درآورد؛ فیلمی غیرمتعارف از سینمای فرانسه که هجوهای است بر خشونت و عریاضگری.

۳- هزارتوی پن/ گیرم‌دل تورو/ ۲۰۰۶

هزارتوی پن یکی از آن فیلم‌هایی بود که با ساخته شدنش تأثیر عمیقی بر سینمای سال ۲۰۰۶ گذاشت. اسکار و مراسم جایزه گویا هم نتوانستند نسبت به آنچه دول‌تورو آن را به تصویر کشیده بود، بی‌تفاوت بمانند. فیلم در میانهٔ آنچه از خشونت و ناامنی دنیای دیکتاتورها و حکومت فرانکو باقی مانده و دنیای اسطوره‌ها پیش می‌رود و اقلیا دختر معصوم سعی می‌کند از میانه این همه خشونت جان سالم به در ببرد.

۴- پر تقال کوکی/ استلی کوپر/یک/ ۱۹۷۱

سال ۱۹۷۱ اگران چنین فیلمی برای دوستانران سنتی سینما یک فاجعه بود، آنچنان که تا سال‌ها بعد سینماهای انگلیس از اکران این فیلم منع شدند. پرقتال کوکی داستانی علمی - تخیلی است که از روی کتابی با همین عنوان اقباس شده‌است. این کتاب در سال ۱۹۶۲ توسط آنتونی برگس نوشته شده‌است.

۵- سگ‌های انباری/ کوئنتین تارانتینو/ ۱۹۹۲

کوئنتین که با ساخت سگ‌های انباری به سرعت معروف شد، در مورد این فیلم می‌گوید: ایده ساخت فیلم سگ‌های انباری را از فیلم The Thing جان کارپنتر گرفته و نه هیچ فیلم سینمایی دیگر. صحنه قلمه‌قطعه شدن یکی از اعضای باند دردی به دست آقای بلوند با پس‌زمینه‌ای از رقص و موسیقی از تکان‌دهنده‌ترین‌های سینمای خشونت نام گرفته‌است.

۶- هفت/ دیوید فینچر/ ۱۹۹۵

پس از ساختن شدن فیلم «هفت»، ساخت فیلم‌هایی درباره قتل‌های زنجیره‌ای دوباره مرسوم شد اما هیچ کدام از این فیلم‌ها نتوانستند شهرت و اعتبار سینمایی «هفت» را به دست بیاورند.

«هفت» محصول سال ۱۹۹۵ آمریکاست که توسط دیوید فینچر در مدت‌زمان دو ساعت و هفت دقیقه ساخته شده‌است. «هفت» فیلمی خوش‌ساخت است که تا پایان بیننده را بر لبه صندلی نگه می‌دارد. داستان هفت، فراتر از یک کُشه ساده‌است.

۷- سکوت بره‌ها/ جان‌تاتون داند/ ۱۹۹۱

سکوت بره‌ها - یکی از تکان‌دهنده‌ترین‌های سینمای دهه ۹۰ محسوب می‌شود. روانشناسی با استفاده از علم روانشناسی فیلم‌ها آدم‌های اطراف خود را تحت تأثیر قرار دهد و خیلی راحت بر آنها مسلط شود. شاید بتوان گفت «بره‌ها» از معدود فیلم‌های ژانر تریلر و جنایی بود که نظر مخاطبان و منتقدان را جلب کرد تا جایی که فیلم موفق به دریافت اسکار بهترین فیلم شد.

۸- تاریخچه خشونت/ دیوید کراننبرگ/ ۲۰۰۵
«تاریخچه خشونت» ساخته حیرت‌انگیز دیوید کراننبرگ داستان زندگی یک خانواده متوسط آمریکایی است که با خاطر خشونت‌جنون آمیز تقریباً به خاک سیاه می‌نشینند.

۹- تپه‌ها چشم دارند / الکساندر جی/ ۲۰۰۶

«تپه‌ها چشم دارند» هر چند از نظر خشونت عریان و بی‌عصر درست‌نمی‌ا و مجموعه ره‌نسار با این حال در میان سینمای خشونت و پرفرشی هالیوود تاانوارهای در میان منتقدان مورد توجه قرار گرفت.

۱۰- مصائب مسیح/ مل گیسون/ ۲۰۰۴

فیلم سینمایی «مصاب مسیح» به کارگردانی مل گیسون جدای از راه یافتن به این لیست به عنوان جنجالی‌ترین فیلم تاریخ سینما معرفی شد. هفت‌نامه اینترتینمنت‌ویکی اقدام به معرفی ۲۰ فیلم جنجالی تاریخ سینما کرد که در این بین فیلم «مصائب مسیح» که ترسیم‌گر خیانت به مسیح و به سلیب کشیده شدن وی است جنجالی‌ترین فیلم تاریخ سینما لقب گرفت.

کانون فرهنگی آموزش(قلم چی)

کانون یعنی برنامه ریزی

برنامه ریزی برای پیشرفت درسی

با برنامه درس بخوانید پیشرفت کنید

تلفن ثبت نام

۰۲۱-۸۴۵۱

www.kanoon.ir

برنامه‌های فصل پاییز در عالم هنر رنگ و بوی دیگری دارند. خبری از اکران فیلم‌های پر فروش و نوجوان‌پسند و هالووینی نیست، کنسرت‌های فضای باز و پر از هیاهو فصل‌شان به سر آمده‌است و رمان‌های بست سلسرز و لب ساحل‌خوان تا تابستان سر و کله‌شان پیدا نمی‌شود. این روزها اثرگذاری برنامه‌های پاییزی امریکایی پررنگ‌تر از همیشه شده‌است، آنقدر که اروپایی‌ها هم برای تنظیم برنامه‌های فصل پاییزشان برای سینما رفتن، کتاب خریدن و رفتن به کنسرت ملهم از برنامه‌های کشور هفتاد و دو ملت هستند.

سینماها رنگ پاییز نمی‌گیرند

پاییز اسمال سینماها آغاز خوبی‌داشتند، انگار حضور جولیا رابرتز برای آغاز به کار سینما در یک فصل خوش‌شانسی به همراه داشته البته هنوز پای فیلم جدید این ستاره به سینماهای اروپا باز نشده‌است و سینماهای اروپا روی فروش این فیلم به ویژه در انگلیس حساب باز کرده‌اند. جولیا رابرتز در دلیل حضور موفق‌اش در پرفروش‌ترین فیلم‌ها دو دهه اخیر یک آغاز خوب پاییزی است و حالا فیلم «بخور، عبادت کن و عشق بورز» این موفقیت را تکرار خواهد کرد. اکران این فیلم در امریکا با استقبال خوبی روبه‌رو شده‌است و علاقه شخصی جولیا رابرتز به عرفان و ذن به بازی قوی او کمک کرده‌است. از جمعه هفت قبل «بخور، عبادت کن و عشق بورز» خیرسازترین اتفاق سینمایی پاییز شده‌است. این فیلم بر مبنای رمانی به همین نام نوشته الیزابت گیلبرت ساخته شده و داستان زنی است که پس از جدایی از همسرش به ایتالیا، هند و بالی سفر می‌کند و به آرامش درونی می‌رسد. اما جدای از این فیلم‌های دیگری هم هستند که پاییز طرفداران سینما را خواهند ساخت.

آقای بازگر تاتار، کارگردان می‌شود

فیلیپ سیمورهافن چندان به سینما فکر نمی‌کرد، اما همیشه فکر می‌کنم شانس آورده‌ام که جامعه ما ایرانی‌ها به لحاظ ظاهری اینقدر یکسان و شبیه هم است و باز هم ثابت تحمل یکدیگر را نداریم. اکثریت مردمی که در روز با آنها سر و کار داریم، یک زبان و یک رنگ پوست و یک شکل و شمایل دارند؛ ولی باز هم نمی‌توانیم با هم کنار بیاییم. اگر فکر برود مثل خیلی از کلاشهرهای دنیا، پایت را از خانه بگذاری بیرون و تا سر کوچه نرسیده‌ای دست‌کم سه چهار زبان مختلف به گوش‌ات بخورد، یا انواع آدم‌های سیاه و سرخ و زردپوست را ببینی و از کنار راه‌بهای بودایی بگذری، چه حالی می‌شدیم؟ بماند که ممکن بود داخل خانات هم با سه چهار آدم از سه چهار کشور و فرهنگ مختلف مهربانه باشی و به قاعده زندگی کنیدی. حالا نمی‌دانم در این رابطه علی «ددین مدل‌های دیگر آدمیزاد» و «تحمیل نکردن مدل‌های دیگر آدمیزاد»، کدام یک علت است و کدام یک معلول، شاید هرچه بیشتر ببینیم، بیشتر هم می‌پذیریم؛ اما به تمام نگهداری از حیوانات خانگی فرصت مناسبی برای دیدن و تعامل کردن و عشق ورزیدن و احساس مسوولیتی در قبال یکدیگر است؛ آفریده دیگری از خداوند، و موجود معصوم و زیان‌رسته‌ای که اگر چند روز عمرش روزی‌اش به دست ما بیفتد، باید شاکر باشیم که شانس سقیم شدن در چنین تجربه‌ای از «دیگری» را داشته‌ایم.

درددل‌های غیررسمی: چشم‌انداز روشن تاتار خصوصی

ظرفیت‌های کشف‌شده و سرزمین‌های تازه

رضا حداد

تئاتر ایران هر روز در مسیر کشف قلمروهای تازه گام برمی‌دارد. گروه‌های کوچک و بزرگ تئاتری چه با حمایت‌های دولتی و چه بدون آنها برای فستیوال‌های معتبر بین‌المللی می‌شوند و ظرفیت‌های نوینی از زیبایی‌شناسی و بیان جهانی هر تئاتر را به نمایش می‌گذارند. با آنکه مشکلاتی همچون کمبود امکانات اجرایی، عدم تخصیص بودجه کافی برای تولیدات تئاتری و فقدان حمایت‌های فرهنگی همه‌جانبه، تئاتر ما از آزار می‌دهد اما جریان تئاتر خصوصی با آزمون و خطاهای خود چشم‌اندازی روشن را به خویشت ترسیم می‌کند.

برابر خویشت ترسیم می‌کند. یکی از امکاناتی که بر اساس توان و خلاقیت گروه‌های خودجوش و خودانگیخته تئاتری می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد، حضور در عرصه رویدادهای معتبر بین‌المللی است؛ جایی که شما می‌توانید در ابعادی جهانی توانایی و داشته‌های تئاتری خود را محک بزنید. حضور در فستیوال انجمنین سال جاری برای گروه تئاتر سایه، علاوه بر گسترش و توسعه دامنه تئاتر ایران در وری مرزها، زمینه را برای فعالیت‌ها و مرزها هم فراهم می‌کند.

گزارش آخر: پاییز در عالم ادبیات، موسیقی و سینما چه خبر است

غول‌ها از راه می‌رسند

از کنسرت‌های جنجالی و بی‌در و پیکر فضای باز نیست و برنامه‌هایی که باید برایشان لباس مناسب تهیه دید و برای تماشایشان جین‌ها را از پا درآورد، بیشتر هستند. اما فعلاً برگزاری کنسرت لنونارد کوهن، بونو، آراکابو و دیوید در صدر محبوب‌ترین کنسرت‌های موسیقی غیر کلاسیک جهان قرار دارند.

پیامر هنوز معجزه می‌کند

همین که خبر برگزار شدن سلسله کنسرت‌های لنونارد کوهن روی سایت شخصی‌اش قرار گرفت، این کنسرت تبدیل به محبوب‌ترین و پرترفدارترین اتفاق موسیقی پاییز اسمال شد. لنونارد کوهن از آخرین‌های روزهای پاییز کنسرت‌های سال ۲۰۱۰ را از «بازل» سوئیس و «لیسبون» پرتغال آغاز خواهد کرد و آخر دسامبر به لاس‌وگاس خواهد رسید. آخرین کنسرت او در سال ۲۰۰۸ یک رکورد در زمینه سرعت پیش‌فروش بلیت‌هایش در سراسر اروپا و امریکا بود. کوهن در این کنسرت ترانه‌های جدیدی می‌خواند و در سایت شخصی‌اش وعده کنسرت متفاوت‌راده‌است.

بونو و U2 به باز هم برنامه‌های خیره

بونو فعلاً یکی از دست‌ و دلبازترین ستاره‌های عالم موسیقی است. شرکت او در برنامه‌های خیره فعلاً رکورد شکسته‌است. او در سلسله کنسرت‌های جدیدی که با گروه U2 برگزار می‌کند، قصد دارد برای آسیب‌دیدگان

با تقدیر از محمد سرپر، محمدرضا پیروزفر و حسین ترابی هم‌زمان با روز ملی سینما، مراسم بزرگداشت چهاردهمین جشن سینمای ایران برگزار شد. در ابتدای این مراسم که در تالار «ایوان شمس» با حضور جمع زیادی از علاقه‌مندان به سینما برگزار شد، فرهاد توحیدی دبیر چهاردهمین جشن سینمای ایران با قرانت شعری مطرح کرد: «تفاقی که در سال گذشته باقی گذاشتن جایزه سیفاله داد تحقق یافت، اتفاق خوبی بود و ما به دنبال آن هستیم تا حلقه مفقوده بین سینما به عنوان صنعت و اقتصاد را پیدا کنیم و اگر این حلقه پیدا نشود، می‌توان سینما را به جای خود رساند.» معرفی برگزیدگان بخش اقالد تبلیغی جشن چهاردهم سینما، اولین بخش اهدای جوایز این دوره جشن بود که با حضور ابراهیم حقیقی و بهرام دهقان دیپلم افتخار بهترین پوستر به مهدی روشانی برای طراحی پوستر فیلم «صداها» اهدا شد.

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۰ اذان مغرب ۱۹:۲۲ اذان صبح فردا ۵:۲۳ طلوع آفتاب ۶:۴۷

پول‌های بابرکت

سیدعلی میرفتاح

mirfattah@yahoo.com

کرگدن نامه

چه خبرهایی که آدم نمی‌شنود؟ آقا‌زاده، بلکه به تعبیری بنده‌زاده جناب استاد محصولی، طی مصاحبه‌ای به اطلاع مردم قهرمان و بزرگوار و همیشه در صحنه ایران رسانده‌است که «فقط و فقط ماهی ۱۰ هزار تومان از پدر بزرگوارش پول توجیبی می‌گیرد». **کیورچالی**: ما که مردمایم و دست‌مان از دنیا کوتاه‌است. این پول را جلوبمان بگذارند قهر می‌کنیم. بیچاره این پسر با ۱۰ هزار تومان چه می‌کند؟

مویدی: لاف‌ل قهر کند و نگیرد چون اگر آدم هیچ نداشته باشد یا اینکه ۱۰ هزار تومان داشته باشد، هیچ فرقی نمی‌کند. سنگین‌تر این است که هیچ نداشته باشد. لاف‌ل می‌تواند بگوید رسماً با یاد‌ها سر می‌کند. الان که می‌گویند بدتر هم شده ولی آن قدیمی‌ها که ما زنده بودیم با ۱۰ هزار تومان پشت دست آدم را هم تر نمی‌کردند. **امیرشاهی**: این طوره‌ها هم که می‌گویند، نیست. من که دستم از دنیا کوتاه‌است، اما از یکی از تازه‌گشتگان- بلکه تازه‌آمدگان- پرسیدیم، می‌گفت با ۱۰ هزار تومن می‌شود کم کم ۱۰ تا نان سنگک دورو خشک‌اش بدون یارانه، با ۲۰ تا بربری یک‌رو خشک‌اش با نصف یارانه خرید. اگر نخواست می‌تواند چیزی حدود ۵۰۰ تا میخ چهار سانتی بخرد و بگوید توی دیوار، کیفش را ببرد. اگر نخواست می‌تواند ۵۰ بار از آرژانتین برود سیدخندان، البته بر گشتش را حساب نکردم.

روشن‌ضمیر: بچه زرنگ و باهوشی است. خودش یک جوری برمی‌گرد.

امیرشاهی: از وجاتش پیداست که بچه خوب و سربه‌زیری است. گرته می‌بندد. با ۱۰ هزار تومن می‌توانست ۲۰ تا بهمن کوچک بخرد و دود کند.

روشن‌ضمیر: پول کبریت را از کجا می‌آورد؟

امیرشاهی: از همان جایی که ما جوان که بودیم، می‌آوردیم. ما هیچ وقت پول کبریت نمی‌دادیم. می‌استدیم توی خجیان و از این و آن اش می‌گرفتم. خیلی هم حال می‌داد.

میرفتاح: توی روزنامه ما هم کسی پول کبریت نمی‌دهد.

کیورچالی: ولی شما با موضوع برخورد خوبی ندارید.

امیرشاهی: چطور می‌تواند بگوید بر خود می‌آورد؟ **کیورچالی**: بالاخره باید از این بچه که این قدر قانع است و سربه‌زیر است و از کار دنیا نه هویلیام دارد، نه لندن می‌دود، نه دوبی می‌دود، نه پاریس می‌رود، نه اسپورتیج دارد، نه ۲۰۶ اس‌دی دارد، نه روزنامه دارد، نه گجت‌ها دارد، نه... تقدیر کرد. به خدا باید از این آقا‌زاده یک مجسمه بسازند و بگذارند وسط پارک.

مویدی: بارک کی‌ا؟

کیورچالی: چه می‌دانم؟ هر پارکی. دانشجو، ملت آب و آتش، هر جا. **مویدی**: من هم موافقم. درد و پلای این بنده‌زاده بخورد توی سر هر چی آقا‌زاده است. باید از روی این به جای مجسمه، یک قالب بزنند و بقیه را از روی این قالب برزنند. ۱۰ هزار تومن‌شان را هم بزنند. ۲۰ هزار تومن: نه، ۲۰ هزار تومن، بلکه بیشتر.

روشن‌ضمیر: حالا مطمئنید که این بچه فرق ۱۰ هزار را با ۱۰۰ هزار و یک میلیون لشتیه‌نگرفته؟ ۱۰ هزار تومن همان‌است که پنج تا صفر دارد. شاید مثلاً یک میلیون می‌دهند، بعد بهش می‌گویند «بیا این ۱۰ هزار تومن را بگیر و برو حال کن».

مویدی: من با پسرهم همین کار را می‌کردم. البته برعکس. ۱۰ تومن بهش می‌دادم و می‌گفتم این هزار تومن را برای خودت نگه دار. او هم توی مهمانی‌ها می‌گفت بابای من هفتای هزار تومن پول توجیبی به من می‌دهد. بعداً البته اول رقتیم و آبرویمان توی فیلل رفت چون تومن‌ش را ز داشته بود که با پسرخالش برود سینما، بعد فهمیده بود که با آن هزار تومن یک پکف هم نمی‌تواند بخرد.

میرفتاح: توی روزنامه هم با ما همین کار را می‌کنند. هیچ پول نمی‌دهند، بعد می‌گویند ۷۰۰۰ هزار تومنی که گرفتی چه کردی؟ هزار و هشت حرام و هدرش نکنی. بعد هم این حرف را آنقدر تکرار می‌کنند که آدم باورش می‌شود. الان سه شب است که دارم خودم را ملامت می‌کنم که چرا پولم را حرام و هدر کردم.

کیورچالی: تو هم به جای آن روزنامه لکنتی برو وردست آقا‌زاده. محصولی آن ۱۰ هزار تومن بابرکت را دور هم بخورد و حال کنبد و شکر خدا را به پا آورد.

از چشم غربی

قربانیانی که نامی از آنها نمی‌آید

سوزان ساراندون / ترجمه: مانی فراهانی

جنگ هنوز و همچنان ادامه دارد. هر روز بهانه جدیدی برای راه افتادن هویلمهای جنگی و تانک‌ها پیدا می‌شود. چند سال یک بار با روی کار آمدن جمهوریخواهان دوری شروع می‌شود و بعد حتی آمدن یک دولت دموکرات و کمی صلح‌طلب‌تر هم آتش این جنگ‌افروزی را خاموش نمی‌کند. زنانی که مردان و پسران‌شان را در جنگ ویتنام از دست دادند و بعدها یک تابت به دست‌شان رسید البته خوشبخت‌تر از آنهایی بودند که مردانی به خاتمان بازگشتند که فقط یک کالبد بودند. هنوز آسیب‌سگ‌های روانی سربازان آسیب‌دیده از جنگ ویتنام خالی نشده‌است که قفل‌قفلار قربانیان جدید از راه می‌رسند. جنگ کویت، جنگ افغانستان و جنگ عراق هر کدام قربانیانی بی‌شمار داشت، مردانی از این سرزمین‌ها کشته شدند، زنان و کودکان بسیاری به فجیع‌ترین شکل ممکن زندگی‌شان تپاه شد و همه ما برای آنها غصه‌دار شدیم. اما مردم افغانستان، عراق و ویتنام تنها کینه‌ا از سربازان آمریکایی در دل‌شان ماند. آنها آنقدر غبار و آندوه پیش‌روشان بود که یادشان رفت این سربازان آمریکایی را مداران‌شان غصب و آمکش تربیت نکرده‌اند، بلکه این سیاستگذاران هستند که این قاجعه انسانیت را به بار می‌آورند و همه این سربازان زنان و فرزندان‌ای دارند که کیلومترها و کیلومترها آن سوی اقیانوس زندگی‌شان تباه می‌شود. در تمام آمارهای رسمی خبر از کشته شدن نظامیان و غیرنظامیان هر دو سو می‌دهند اما آدم‌های دیگری هم هستند که زندگی‌شان را می‌بازند و هرگز در هیچ‌یک از آمارهای رسمی از آنها نامی به میان نمی‌آید؛ زنان آمریکایی، سربازان آمریکایی با افتخار سرشان را بالا می‌گیرند، مکن‌شان روی جلد تمام روزنامه‌ها می‌رود و سوتر جایی که شب و روزش با جبهه‌های نبرد فرق می‌کند، زنانی هستند که بی‌اینکه بخواهند جنگ به میز آشپزخانه

و به زنجواب‌شان می‌آید و روی خوش زندگی‌شان را تباه می‌کند و قربانیان اصلی همین‌ها هستند؛ زنان آمریکایی، سوزان ساراندون / ترجمه: مانی فراهانی

جنگ هنوز و همچنان ادامه دارد. هر روز بهانه جدیدی برای راه افتادن هویلمهای جنگی و تانک‌ها پیدا می‌شود. چند سال یک بار با روی کار آمدن جمهوریخواهان دوری شروع می‌شود و بعد حتی آمدن یک دولت دموکرات و کمی صلح‌طلب‌تر هم آتش این جنگ‌افروزی را خاموش نمی‌کند. زنانی که مردان و پسران‌شان را در جنگ ویتنام از دست دادند و بعدها یک تابت به دست‌شان رسید البته خوشبخت‌تر از آنهایی بودند که مردانی به خاتمان بازگشتند که فقط یک کالبد بودند. هنوز آسیب‌سگ‌های روانی سربازان آسیب‌دیده از جنگ ویتنام خالی نشده‌است که قفل‌قفلار قربانیان جدید از راه می‌رسند. جنگ کویت، جنگ افغانستان و جنگ عراق هر کدام قربانیانی بی‌شمار داشت، مردانی از این سرزمین‌ها کشته شدند، زنان و کودکان بسیاری به فجیع‌ترین شکل ممکن زندگی‌شان تپاه شد و همه ما برای آنها غصه‌دار شدیم. اما مردم افغانستان، عراق و ویتنام تنها کینه‌ا از سربازان آمریکایی در دل‌شان ماند. آنها آنقدر غبار و آندوه پیش‌روشان بود که یادشان رفت این سربازان آمریکایی را مداران‌شان غصب و آمکش تربیت نکرده‌اند، بلکه این سیاستگذاران هستند که این قاجعه انسانیت را به بار می‌آورند و همه این سربازان زنان و فرزندان‌ای دارند که کیلومترها و کیلومترها آن سوی اقیانوس زندگی‌شان تباه می‌شود. در تمام آمارهای رسمی خبر از کشته شدن نظامیان و غیرنظامیان هر دو سو می‌دهند اما آدم‌های دیگری هم هستند که زندگی‌شان را می‌بازند و هرگز در هیچ‌یک از آمارهای رسمی از آنها نامی به میان نمی‌آید؛ زنان آمریکایی، سربازان آمریکایی با افتخار سرشان را بالا می‌گیرند، مکن‌شان روی جلد تمام روزنامه‌ها می‌رود و سوتر جایی که شب و روزش با جبهه‌های نبرد فرق می‌کند، زنانی هستند که بی‌اینکه بخواهند جنگ به میز آشپزخانه

و به زنجواب‌شان می‌آید و روی خوش زندگی‌شان را تباه می‌کند و قربانیان اصلی همین‌ها هستند؛ زنان آمریکایی،